

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته به دلالت روایات نوم النبی بر مواسعه پرداخته شد، در ابتدا کلام مرحوم شیخ انصاری در این باب مطرح شد، وی میان نوم و سهو تفصیل قائل شده و می‌گوید نوم بما هو نوم از سهو بهتر است، اما این فرد خاص از نوم که منجر به ترک واجب شود، از سهوی که در رکعتین نماز رخ داده، بدتر است. وی وقوع چنین نومی را با روایاتی که بر عصمت و کمال پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام دلالت دارند، ناسازگار می‌داند؛ چرا که روایاتی مانند «ینام عینهم و لا ینام قلبهم» بیانگر عدم وقوع چنین حالاتی در مورد آن ذوات مقدسه است.

وی در ادامه، با طرح «اللهم إلا أن یقال» احتمال دیگری مطرح می‌کنند و می‌فرمایند؛ ممکن است بگوییم این نوم خاص پیامبر به دلیل مصلحتی الهی بوده است. این مصلحت خاص و مهمه ایجاب کرده که پیامبر اکرم به خواب روند و در نتیجه آن نماز قضا شود. در این فرض، این نوم طبیعی و عادی نبوده، بلکه برای مصلحتی بزرگتر صورت گرفته است. وی روایت سعید اعرج که می‌گوید: «إن الله تعالى أنام رسول الله... رحمة لهذه الأمة» را تأییدی بر این مصلحت می‌داند لذا در چنین حالتی، این نوم خاص از سوی شارع مورد تأیید است و قضا شدن نماز در این شرایط، امری ثانوی بوده که شارع دستور به قضای آن داده است.

نکته حضرت استاد در مورد عصمت ائمه معصوم در خواب

مطلب مهمی که باید ذکر شود این است که ائمه معصوم علیهم السلام حتی خوابشان هم با انسانهای عادی فرق می‌کرده است و این بزرگواران حتی از خواب های باطل هم بدور بودند.

یکی از کارشناسان دینی در رسانه گفته بود که فلان مرجع تقلید از زمان بلوغ تا پایان عمر حتی یک لحظه هم فکر گناه نکرده است. اما چنین ادعایی، بدون علم غیب، چطور ممکن است؟ غیرمعصوم، به دلیل طبیعت بشری، نمی‌تواند مطلقاً از فکر گناه مصون باشد. این‌گونه مبالغه‌ها به جای تکریم بزرگان، جایگاه عصمت معصومین را تنزل می‌دهد. صاحب جواهر نیز تأکید کرده است که معصوم حتی در قلب خود نیز لحظه‌ای فکر گناه نمی‌کند، چه در بیداری و چه در خواب. از مختصات امام معصوم است که حتی خواب گناه‌آلود نمی‌بیند، برخلاف مردم عادی که بسته به ملکات نفسانی، خواب‌های متفاوتی می‌بینند.

برای نمونه، از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل شده که حتی در خواب نیز اگر نامحرمی می‌دید، چشم خود را می‌بست. این نشان از تزکیه نفس و تقوا دارد. اما این ویژگی‌ها در سطح معصومین نیست. معصوم از هر گناه و اشتباهی، چه در ظاهر و چه در باطن، چه در بیداری و چه در خواب، به‌طور کامل مصون است. این نکته را باید طلبه‌ها و عالمان دین در بیان مقامات افراد، با دقت و بدون مبالغه، رعایت کنند.

توجه به این نکته ضروری است که مقام عصمت ویژه معصومین است و با هیچ‌کس قابل قیاس نیست. چنان‌که در آیات و

نکته مهم در مورد روایات مربوط به خواب پیامبر این است که باید بررسی کنیم آیا با ادله عقلی و نقلی سازگار است یا نه؟ شیخ انصاری تصریح می‌کند که این روایت با ادله عقلی هیچ منافاتی ندارد، زیرا دلیل عقلی بر اینکه نبی نباید خواب داشته باشد، وجود ندارد. اما از سوی دیگر، این روایت با ادله نقلی که مقامات، اوصاف، و کمالات خاصی را برای ائمه و پیامبر بیان می‌کند، در تعارض است. این ادله نقلی نشان می‌دهند که مقامات معصومین فراتر از حد معمول است و این روایت نمی‌تواند به سادگی با آن‌ها سازگار شود.

توضیح فتاامل در کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ پس از بیان مطالب فوق، عبارت «فتاامل» دارند، سوالی که مطرح می‌شود این است که این فتاامل به چه معنا است؟ آیا اشاره به دقت نظر دارد؟ اگر چنین باشد، به این معنا است که روایت سعید اعرج به صراحت به انامه الهی اشاره دارد و نمی‌توان اشکالی به آن وارد کرد. ظاهر روایت مؤید این مدعاست که خواب، اگر مستلزم ترک واجب باشد، فی‌نفسه قبیح است. اما اگر یک مصلحت مهم در کار باشد، دیگر قبیح نیست. مصلحت مهم نیز طبق روایت رحمت برای بندگان است. خدای متعال چنین قضیه‌ای را رقم زده تا اگر مسلمانی نمازش قضا شد، به او تعبیر نشود و از دین خارج نگردد، زیرا در آن زمان چنین مسائل حساسی گاه موجب خروج از دین می‌شدند. بنابراین، این مصلحت در راستای حفظ رحمت و مدارای الهی بوده است.

روایات مؤید دیگری بر وجود مصلحت الهی در نوم النبی (ص)

روایات دیگری بر تأیید مفاد روایت سعید اعرج وجود دارد، یکی از این روایات ها، صحیحه سماعة بن مهران است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الصُّبْحَ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ يُصَلِّيْهَا حِينَ يَذْكُرُهَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَقَدَ عَنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّاهَا حِينَ اسْتَيْقَظَ وَ لَكِنَّهُ تَنَحَّى عَنْ مَكَانِهِ ذَلِكَ ثُمَّ صَلَّى. [1]

روایت صحیحه سماعة بن مهران تأکید بر رحمت و حکمت الهی در مسئله تشریع قضا دارد. صحیحه سماعة اشاره می‌کند که اگر کسی نماز صبحش قضا شود، باید آن را هر وقت یادش آمد بخواند. امام علیه‌السلام به عنوان شاهد به ماجرای پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند که ایشان نیز زمانی خواب ماندند و نماز صبحشان قضا شد، اما بعد از بیداری قضای آن را به جا آوردند. این ماجرا به وضوح نشان می‌دهد که قضا عملی جبران‌پذیر است و حتی برای پیامبر نیز چنین اتفاقی رخ داده است.

روایت دیگر، روایت حمزة بن طیار است، حضرت صادق (علیه‌السلام) توضیح می‌دهند که خدای متعال عمداً پیامبر را به خواب برد و سپس بیدار کرد تا تشریع قضا را به مردم بیاموزد. این عمل الهی نشان‌دهنده آن است که حتی اگر نماز در وقتش ادا نشود، جبران آن با قضا امکان‌پذیر است.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ فِي التَّوْحِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ فَنَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ أَنَا أُنِيْمُكَ وَ أَنَا أُوقِظُكَ (فَإِذَا قُمْتَ) فَصَلِّ لِيَعْلَمُوا إِذَا أَصَابَهُمْ ذَلِكَ كَيْفَ يَصْنَعُونَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا نَامَ عَنْهَا هَلْكَ وَ كَذَلِكَ الصِّيَامُ أَنَا أُمْرُضُكَ وَ أَنَا أُصَحِّجُكَ فَإِذَا شَفَيْتُكَ فَأَقْضِهِ. [2]

همچنین این روایات اشعار به بحث اصولی دارند که قضا محتاج به امر جدید است؛ یعنی برای انجام قضا، یک حکم جدید و تشریع الهی مورد نیاز است. این مسئله در مقابل برخی تفکرات آن زمان قرار می‌گیرد که می‌گفتند اگر کسی نمازش قضا شود،

دیگر هلاک شده و قابل جبران نیست. این تفکر افراطی توسط روایات رد شده و تأکید شده است که رحمت الهی فرصت جبران را برای بندگان فراهم کرده است، هرچند ثواب و مرتبه نماز در وقت خود قابل مقایسه با قضا نیست.

مطابقت روایات با شریعت سهله و سمحه

این روایات با شریعت سهله و سمحه نیز مطابقت دارد، مفهوم «شریعت سمحه و سهله» نباید به معنای تسامح و سهل‌انگاری در احکام شرعی تفسیر شود. شریعت سمحه و سهله به این معناست که در دین اسلام احکام به گونه‌ای تشریع شده‌اند که سختی و مشقت غیرقابل تحمل بر مکلفین تحمیل نشود. مثال‌هایی از این ویژگی شریعت، شامل قصر نماز در سفر، جواز قضای نماز در صورت قضا شدن آن بدون تعمد، و برداشتن احکام حرجی در شرایط دشوار می‌شود.

این تسامح به معنای سهل‌انگاری در اجرای احکام الهی نیست، بلکه دین همواره بر دقت و پایبندی به حدود شرعی تأکید دارد. به عنوان نمونه، روایات موسسه نیز در چارچوب خاص خود قرار دارند و نمی‌توان از آنها به عنوان مجوزی برای بی‌توجهی به احکام استفاده کرد.

خطا است که افراد برخی رفتارها، مانند نادیده گرفتن نماز یا تفریحات مختلط و خلاف شرع در مجالس خانوادگی، را با توجیه آسان بودن دین موجه جلوه دهند. این نوع برداشتها، بازی با احکام الهی و تحریف مفهوم واقعی شریعت سمحه و سهله است. دین اسلام تسامح در احکام مسلمة را نمی‌پذیرد، اما به مکلفین در شرایط خاص تسهیلات و آسانی‌هایی در چارچوب دقیق و معین ارائه می‌دهد.

کلام مرحوم مجلسی در مورد روایت سعید اعرج

مرحوم مجلسی در مرآة العقول در شرح روایت سعید اعرج به بیان احتمالاتی در مورد نوم النبی می‌پردازد، وی سه احتمال برای حل این تعارض که از طرفی «نوم پیامبر مثل یقظته است» و از طرف دیگر مفاد این روایات این است که به سبب خواب صلاه ایشان ترک شده است، مطرح می‌کند.

فإن قيل: قد ورد في الأخبار أن نومه صلى الله عليه وآله مثل يقظته و يرى في النوم ما يرى في اليقظة فكيف ترك صلى الله عليه وآله و سلم الصلاة مع تلك الحال. قلت: يمكن الجواب عنه بوجه. الأول: أن اطلاعه في النوم محمول على غالب أحواله، فإذا أراد الله أن ينمي كنوم سائر الناس لمصلحة فعل ذلك. الثاني: أنه صلى الله عليه وآله و سلم لم يكن مكلفاً بهذا العلم كما كان يعلم كفر المنافقين و يعامل معهم معاملة المسلمين. الثالث: أن يقال: إنه صلى الله عليه وآله كان في ذلك الوقت مكلفاً بعدم القيام لتلك المصلحة و لا استبعاد فيه، و الأول أظهر، و الأسوة بالضم و الكسر ما يأسى به الحزين و يتعزى به، و الأسوة بالضم القدوة، و هنا يحتمل الوجهين و الأول أظهر. [3]

احتمال اول: اینکه «نوم پیامبر مثل بیداری او است، محمول بر غالب احوال است.

یعنی این ویژگی کلیت ندارد و در شرایطی که مصلحت الهی اقتضا کند، خداوند پیامبر را مانند دیگر مردم در حالتی قرار می‌دهد که خواب ایشان شبیه به خواب عادی شود. این احتمال به نوعی بیانگر انعطاف در نظام تکوینی و ارتباط آن با مصالح تشریعی است.

احتمال دوم: علم پیامبر به وقوع چیزی، معیار تکلیف نیست.

این احتمال بیان می‌کند که پیامبر با وجود علمی که نسبت به طلوع شمس (در قلب یا باطن) دارد، مکلف به عمل به این علم نیست، زیرا معیار تکالیف شرعی، علم و آگاهی از طریق ابزارهای ظاهری است. اینجا به مسئله دیگری اشاره می‌شود که در

برخورد پیامبر با منافقین نیز مشاهده می‌کنیم؛ پیامبر با وجود علم باطنی به نفاق آنها، در ظاهر با آنها مطابق احکام اسلام رفتار می‌کرد.

احتمال سوم: تکلیف پیامبر در آن زمان خاص، عدم قیام برای صلاة بوده است.

این احتمال مصلحتی را مطرح می‌کند که تکلیف خاص پیامبر در آن لحظه، برخاستن برای نماز نبوده است. البته این وجه از لحاظ ماهیت با وجه دوم تفاوت چندانی ندارد، زیرا باز هم به نوعی به مفهوم علم غیرمکلف‌کننده اشاره می‌کند.

ایشان احتمال اول را اظهر می‌داند، یعنی اینکه نوم پیامبر مانند یقظه اوست، محمول بر غالب احوال است، اما این عمومیت در شرایط خاصی که مصلحت اقتضا کند، ممکن است استثنا شود.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] کلینی، محمد بن یعقوب، «الكافي (اسلاميه)»، ج 3، ص 294، حدیث 8.
- [2] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریع.ة»، ج 8، ص 254.
- [3] مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول»، ج 15، ص 66.

منابع

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا، 1416.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اسلامیه)، تهران، دار الکتب الإسلامية، 1363.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، 1404.